

مجموعه آثار انقلاب و بیداری اسلامی
(۱)

سپهر انقلاب اسلامی

نویسنده: مجید احمد ناه



انتشارات سپهر بیدار

سرشناسه	: صفاتاج، مجید، ۱۳۴۰
عنوان و نام پدیدآور	: سپهر انقلاب اسلامی / نویسنده: مجید صفاتاج
مشخصات نشر	: تهران: سفیر ارداهال، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری	: ۲۸۱ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
فروست	: مجموعه آثار انقلاب و بیداری اسلامی ۱
شابک	: ۱-۱۱-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸؛ ۱۰۰۰ ریال
نوع سند	: فهرست نویسی: فیبا
موضوع	: جنبش های اسلامی -- تاریخ -- قرن ۲۰ م
موضوع	: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷
موضوع	: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- تأثیر
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ س ۷ ص ۲۲۳/ Bpr
رده بندی دیویی	: ۲۹۰ ۴۸۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۴۰۱۷۰

شابک: ۱-۱۱-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸



تهران: خیابان مفتاح، خیابان سمیه، روبه روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴
 © حق چاپ: ۱۳۹۳، انتشارات سفیر ارداهال با همکاری مؤسسه مطالعات اسلامی
www.safirardahal.com

سپهر انقلاب اسلامی (مجموعه آثار انقلاب و بیداری اسلامی ۱)

تألیف: مجید صفاتاج

نوبت چاپ: اول

صفحه آرا: خانم جوادی

طراح جلد: امین جعفری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سفیر قلم

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

بهها: ۱۴۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
الف - بررسی آکادمیک نهضت بیداری اسلامی:.....	۲۳
ب - تحقیق در ره‌د شیوه‌های برخورد:.....	۲۶
۱ - توجه به ایران:.....	۲۶
۲ - شناسایی کانون‌های مهاجم:.....	۲۷
۳ - کمک محدود:.....	۲۸
سیاست - سیر و انتظار:.....	۲۸
مقدمه.....	۳۳
فصل اول: پیش‌بنیان انقلاب اسلامی ایران.....	۴۳
فصل دوم: ماهیت انقلاب.....	۶۱
فصل سوم: رهبری انقلاب.....	۸۵
فصل چهارم: مردم در انقلاب.....	۱۰۳
فصل پنجم: ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران.....	۱۱۹
ویژگی ذاتی انقلاب اسلامی.....	۱۲۱
وحدت کلمه.....	۱۲۱
اسلامی بودن انقلاب.....	۱۲۳
در آمیختگی سیاست و دیانت.....	۱۲۷
نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری.....	۱۲۹
اهتمام ویژه نسبت به محرومان و مظلومان.....	۱۳۱
پایداری روی عقیده در برابر سلطه‌گران.....	۱۳۱
عدالت خواهی.....	۱۳۳
ویژگی بین‌المللی انقلاب اسلامی.....	۱۳۴
جهان‌شمولی انقلاب اسلامی.....	۱۳۴
انطباق انقلاب اسلامی با فطرت الهی انسان‌ها.....	۱۳۶

ضد نظام سلطه جهانی	۱۳۹
فصل ششم: تأثیرات و دستاوردهای جهانی انقلاب اسلامی	۱۴۱
احیای تفکر دینی و پیشرفت اسلام و ارزش‌های آن در جهان	۱۴۸
خداشه دار کردن نظریه‌های علمی غربی در مورد پیشرفت و توسعه	۱۶۵
خداشه دار کردن نظریه سیاسی گذشته جهان در مورد انقلاب‌ها	۱۶۶
۱- روش‌های کارکرد گرایانه:	۱۶۹
۲- بررسی‌های ساختار گرایانه:	۱۷۳
۳- تئوری‌های روانشناسانه:	۱۷۵
تغییر معنای سیاسی جهان و راهبردهای جهانی ابرقدرت‌ها	۱۸۰
تغییر در شیوه مبارزه نظامی استبدادی	۱۸۴
رشد مطبوعات و نشر اسلام	۱۸۵
گرایش متفکران و روشنفکران مسلمان به اسلام	۱۸۸
کم رنگ شدن آموزه‌های الحادی و کمابستی و گسترش شعائر و	
تمایلات دین گرایانه در شوروی	۱۸۹
ایجاد ساختار جدیدی از حکومت دینی در منطقه خاور میانه بین الملل	۱۹۲
فروپاشی پیمان‌های منطقه‌ای و شکست استراتژی آمریکا در خاورمیانه	۱۹۷
وحدت و همبستگی میان مسلمانان جهان اسلام	۲۰۰
آغاز شمارش معکوس فروپاشی رژیم صهیونیستی	۲۰۲
مرزبندی بین جهان اسلام و رژیم صهیونیستی	۲۰۴
فراگیر سازی مبارزه و افول ایده اسرائیل بزرگ	۲۰۴
حساسیت زای مسئله فلسطین و تشکیک در موجودیت رژیم	
صهیونیستی	۲۰۵
تخریب تلاش‌های مشروعیت ساز رژیم صهیونیستی	۲۰۵
از دست رفتن منافع آمریکا و اسرائیل در منطقه	۲۰۶

به چالش کشیده شدن فرهنگ آمریکا و همگانی شدن وظیفه آمریکا

۲۱۱		ستیزی در جوامع اسلامی ..
۲۳۲		عوامل مؤثر در پیدایش تأثیرات و دستاوردهای انقلاب اسلامی ..
۲۳۲		۱. قدرت سیاسی اسلام: در پرتو جنبش بیداری اسلامی ..
۲۳۳		۲. خلاء ایدئولوژیک ..
۲۳۵		۳. بین بست سیاسی دو نظام جهانی ..
۲۳۶		۴. نقش‌های متفكرات نهضت بیداری ..
۲۳۷		فصل هفتم: مقایسه رابطه گرانه با انقلاب اسلامی ..
۲۵۵		نتیجه ..
۲۵۹		فهرست منابع ..

www.ketab.ir

پیشگفتار

بیداری اسلامی پدیده‌ای است فراگیر که مقارن با حرکت استعمارگرانه غرب از یک سو و عقب ماندگی مسلمانان از حوزه علمی از سوی دیگر، توسط برخی از بزرگان جهان اسلام کلید زده شد و کم‌کم به توده‌های مردم در بعضی کشورهای اسلامی سرایت کرد. رهبران این جریان دو هدف بازگشت به اسلام و احیای ارزش‌های اسلامی را مورد توجه قرار دادند.

این پدیده هر چند در تاریخ معاصر چهره خود را نشان ساخت اما از ابتدای صدر اسلام تاکنون قدمت دارد. اسلام توسط پیغمبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) حادث و توسط امام حسین (ع) و امام جعفر (ع) توسط امام صادق (ع) تبیین شد. اما به جز در دوره حیات پیغمبر اسلام (ص) و سپس توسط برخی ائمه معصومین (ع) که برای اقامه حکومت اسلامی و اجرای ارزش‌های دینی و احیای شریعت تلاش می‌شد در دیگر دوره‌ها و حتی در دوره ائمه معصومین (ع)، هجوم بی‌مانند وقایع و بازار پر رونق حوادث، رویدادها، بر مرکب راهوار نشسته بود و چهار نعل می‌تاخت تا از اسلام چیزی جز پوستین وارونه

و ظواهر آن باقی نماند و صرفاً ابزاری باشد برای خلافت و سلطنت حکام جائز و ظالمی که به هیچ چیز جز منافع و مطامع دنیوی خویش نمی‌نگریستند.

انقلاب جهانی پیامبر گرامی اسلام (ص) زمانی که در مکه به منصه ظهور رسید مردم فوج فوج به دعوت او لبیک گفتند. پس از آن پرتو اندیشه رزمین حجاز و سپس سراسر گیتی را فرا گرفت و پیروزی‌ها و پیروزی‌ها یکی پس از دیگری سایر سرزمین‌ها را درنوردید و آحاد مردم به آیین پاک محمدی و انقلاب جهانی آن پیوستند. اما پس از رحلت پیامبر غلام الشان اسلام حضرت محمد (ص) به تدریج - در اثر رخنه افراد فرصت طلب و نفوذ افرادی که پیش از آن با اسلام می‌جنگیدند ولی بعدها تغیر پیدا دادند و در داخل صفوف مسلمانان جای گرفتند - مسیر اصلی بین انقلاب و شکل و محتوای آن تا حدودی عوض گردید.

با کم رنگ شدن نقش رهبران حقیقی و مسلمانان و افرادی که بار این انقلاب و رساندن پیام الهی آن به مردم جهان را به دوش می‌کشیدند، کم کم توسط افراد قدرت طلب و حکام جاهلی جائز به ظاهر اسلامی و مدعی رهبری مسلمانان، اهداف اصلی این انقلاب و آیین پاک محمدی به فراموشی سپرده شد و وارثان میراث پیامبر به جای اعتقاد به دین اسلام و ارزش‌های اسلامی و به جای این که به حفظ و تداوم دستاوردهای انقلاب اسلامی پیامبر با همان معیار و با همان اصول اعتقاد داشته باشند افکار و اندیشه‌های دوران جاهلیت خود را مطرح کردند و به گونه‌ای که در جزیره العرب و شام و عراق، قومیت عربی بر ارزش‌های اسلامی این دین حنیف الهی مقدم و مرجح

گردید و زمامداری مسلمانان در دست طبقه خاصی قرار گرفت که هرگز شایستگی آن را نداشتند. در این دوران مردم به صورت ابزاری در دست حکام زورمدار و جائز وقت قرار گرفتند و برادرکشی و قدرت طلبی جای فتوحات اسلامی را گرفت.

تاریخ اسلام را که بنگری، خواهی دید که حوادث به سرعت اتفاق می افتادند. آنقدری که تقدیر را فرصت تدبیر نمی ماند، تا از سرفرصت به رتوبه فتوحات، پردازد و به اوضاع، سروسامان بدهد و چه بسا که عنان، به دست من می افتاد تا چه پیش آید و چه اتفاق افتد. طی چهارده قرن، انبیا از رویدادها و دنیایی از تهدیدها، فشارها، توطئه ها، بحران ها، پس رزی ها، جنایت ها و... را در حق اسلام و مسلمانان می بینی و با خواندن بیستی که راستی این همه اتفاق افتاده است؟!

هجومی که از سوی غربی ها به اسلام، مسلمانان در طی دو قرن با نام جنگ های صلیبی شد و فعالیت حدود چهارصد ساله آنها علیه اسلام از زمان راه اندازی کرسی های اسلام، در سال ۱۶۳۲ در دانشگاه های کمبریج و آکسفورد انگلیس و اعزاز بران شوق شناس (Orientalism) به کشورها و مجامع اسلامی و اتخاذ اثرات مشترکی ذیل عنوان "دارالمسیحیت" (Chirictandom) که طی آن، اقدام کردند در اروپا حتی یک کشور با اکثریت مسلمان به وجری نیاید بخشی از توطئه ها و بحران سازی ها و جنایت هایی که در حق اسلام و مسلمانان روا داشته شد.

شمار زیادی از مسیونرهای مسیحی نظیر "مونتگمری وات" استاد دانشگاه ادینبورگ در صفحه ۲۱۹ کتاب خود "محمد(ص) در مدینه"

مدعی بودند، دینی به نام اسلام وجود واقعی ندارد و آن چه به نام اسلام مطرح شده عمدتاً تعالیم یهود یا مسیحیت است! آنان از این طریق درصدد بودند که جنبه وحیانی قرآن و رسالت پیامبر خاتم(ص) انکار شود تا راه برای بروز ظهور پیامبران دروغین در مرام شرک آلود او مانیسیم باز گردد.

نزدیک به ۳۰۰ سال پس از پایان قرون وسطی و در دوره‌ای که سه قدرت مسلمانی در کنار هم قرار داشتند (یعنی امپراتوری عثمانی، صفویه و نورکانیه‌نند) دستگاه سلطنتی انگلیس احساس می‌کرد برای غلبه بر امپراتوری‌های مسلمان به مؤسساتی نیاز دارد. از این رو با تکیه بر قاعده «دشمن را بشناس» دو مؤسسه محوری را تحت عنوان «انجمن ارتقاء دانش» و «انجمن نشر کتاب مقدس در سرزمین‌های خارجی» به وسیله کتابخانه‌های از هم در سال‌های ۱۶۹۸ و ۱۷۰۱م به وجود آورد. حدود ۲۰۰ سال بعد این دو مؤسسه محوری بستر ساز به وجود آمدن انجمن‌های مسیحیونری شدند مراکز میسیونری با همین عنوان نزدیک به ۱۵۰ سال فعالیت کردند. برابر اقاوری که امثال "برنارد لوئیس" و "سرویلیام مارتین" در کتاب‌های خود کرده اند این مراکز میسیونری از یک طرف مأمور تبلیغ تبار به سؤالات جدی مسلمانان درباره اعتقادات کلیسا و مسیحیت - نظیر اعتقاد به تثلیث - پاسخ دهند و از طرف دیگر با شبهه پراکنی پیرامون اعتقادات اسلامی، مسلمانان و به خصوص طبقه تحصیل کرده علوم جدید را نسبت به اسلام مردود سازد.

با پایان جنگ جهانی دوم و ناتوانی انگلیس از اداره مستعمرات خود، مراکز میسیونری به آمریکا سپرده شد. برابر مستندات فراوان بعد

از جایگزین شدن قدرت آمریکا به جای قدرت‌های اروپایی و شروع دوره استعمار نوین، دولت آمریکا برای تحکیم سلطه خود بر کشورهای اسلامی تعداد زیادی مراکز مطالعاتی درباره اسلام و فرهنگ و سنن و آداب و رسوم مسلمانان تأسیس کرد. از این بعد صر فعال در این مراکز که عدد آنان از ۱۰۰ واحد فراتر می‌رفت، به جای «شرق شناس»، «اسلام شناس» خوانده می‌شدند و این افراد هم با عنوان با مراکز دانشگاهی، حوزوی، نخبگی و سیاسی کشورهای اسلامی ارتباط برقرار می‌کردند و بر این اساس به مرور بنیادهای توانمندی زیر بنیاد کارنگی، بنیاد اسلامی فورد، بنیاد اسلامی راکفلر، مؤسسه «دین»، مؤسسه اسلامی هودسون، شورای آمریکا برای مطالعات اسلامی، «اسلام» و بنیاد برادلی پدید آمدند. جالب این است که همه این مراکز بنیادها و مؤسسات توسط یهودیان اداره شده و اکثریت اسلام شناس‌ها یهودی بودند.

مراکز اسلام شناسی آمریکا از دهه ۱۹۴۰ شروع به شکل دادن به یک زنجیره مرتبط به هم در کشورهای جهان اسلام نمود. در این زنجیره، روشنفکران دین ستیزی نظیر حامد ابوزید، در مصر، تسلیمه نسرین در بنگلادش، فتح الله گولن در ترکیه و بعدها «میر سروش» در ایران حضور داشتند که از آنان با عناوینی نظیر «روشنفکران مسلمان»، «اسلام شناسان پیشرو» یاد می‌شدند. در این زنجیره، هزاران بهره‌دار دانشگاهی و... حضور داشتند که با استفاده از فرصت‌های خاص به آمریکا عزیمت می‌کردند و به همفکری با این مراکز می‌پرداختند. اما در واقع مهمترین اتفاقی که در ارتباط با مراکز یهودی به اصطلاح اسلامی با سر حلقه‌های روشنفکری در جهان اسلام می‌افتاد توزیع

غذای پخت و پز شده در آشپزخانه یهودیان آمریکایی بود. (سعدالله زارعی، کیهان، ۱۳۹۱/۶/۲۸، "یادداشت روز"، ص ۲)

به هر حال، تجربه‌های تلخ و شیرین و رویدادهای خوشایند و اندوه‌بار برای مسلمانان، طرح‌ها و برنامه‌های انجام یافته برای تجدید حیات اسلام و بازگشت انسانها به فطرت الهی خویش، تلاش نخبگان و فعالان جهان اسلام برای احیای ارزش‌های دینی و اجرای شریعت اسلام، سرانجامان دادن به نهضت بیداری اسلامی، ناکامی‌ها و شکست‌های سررت‌آروز، پیروزی‌های افتخارآفرین مسلمانان، شعارها، ادعاهای وعده‌ها، پندها، خنک‌ها و ده‌ها و بلکه صدها موضوع دیگر در تار و پود چهاردهم قرن هجری است که زائیده اسلام بوده و می‌بایست بر پایه آن محبت انسان و رهایی بخش زندگی کند.

امتی که بازنده و گرامی دامن پیام‌آور خویش و سلاله پاکش، اندوه و رنج سالیان دراز مبارزه را به امدها و دشمنش آفتاب فجر اسلام و ظهور منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج) و گسترش پهنه‌های حضور آن، تسکین می‌بخشند. امتی که طی چهار قرن این همه دشمنی‌ها و نامردمی‌ها را از سوی فجرستیزان جبهه استکبار و استبداد و آنانی که زائیده جهل و ظلم و جور و ستم و همنامان امت استکیارند تحمل کردند.

در طی این مدت اسلام در "غربت" بود بر زبان بی‌دینان، در میات دینداران! [بَدْءُ غَرْیباً وَ سِیَعُودُ غَرْیباً] (کنز العمال، ج ۱، ص ۲۳۸) و دلسوزانی بدرخشیدند و ابوذر وار زیستند و غم تنهایی را بر جات خریدند و "جنبش بیداری" را آفریدند [يَحْمِلُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ قَرْتٍ

عدول ینظون عنه تاویل المبطّلین و تحریف الغالین و انتحال الجاهلین ...]

بزرگانی همچون شهید مطهری آرزومندانه از آن سخن گفتند و آن را نیاز فوری جامعه اسلامی، تلقی کردند و نگاشتند:

«ما اکنون، بیش از هر چیزی، نیازمندیم به یک رستاخیز دینی و اسلامی، به یک احیاء تفکر دینی، به یک نهضت روشنگر اسلامی.»

(م.تضییع الهی، ده گفتار، مقاله احیاء فکر دینی)

بدان مشک اسلام و پیام آن برای کسانی که پیامبر خویش و انمه هدی (ع) را شناخته‌اند پذیرفته شده است. آنانی که همانند مصلحان الهی (ع) در راه راستی و مبارزه بوده‌اند. آنانی که هم‌چون ابراهیم و موسی و عیسی (ع) در آتش خشم مستکبران افتاده‌اند. آنانی که مجازاته عدالت‌خواهان و مصلحان را تحمل کرده‌اند. کسانی که پس از یک عمر تلاش و مبارزه، هدایت و ارشاد، با دلی خونین و تنی رنجور در بستر بیماری، زخم "إِنَّ الرَّجُلَ لَيُهْجَرُ" بر جان خریدند، در شناخت ملاک‌های آن مشکلی نخواستند. پیام پیامبر الهی خویش را با جان و دل پذیرا خواهند شد. فقط کافی است که ایمان به آن را در قلب و ادراک خود قرار دهند.

آری، اسلام روشنی است، فجر آن آزادی است، سعادت و خوشبختی است. بازگشت به آن و به فطرت الهی خویش، یعنی بازگشت به عدالت، یعنی مبارزه بی‌امان و خونین با همه مظاهر ظلم و جور و ستم و اسلام و طلوع بیداری اسلامی چیزی جز نابودی نظام استکباری و

۱- در هر برهه‌ای از زمان کسانی عادل، بار مسئولیت دین را بر دوش کشند و تاویل و اهل باطل و تحریف افراط‌گرایان و نسبت‌های بی‌پایه جاهلان را می‌زدایند. (اختیار معرفة الرجال، ج ۴، دانشگاه مشهد)

جائزانه و جایگزین شدن نظام عدل الهی به جای آن نیست. بیداری اسلامی، فجر حاکمیت دین، فجر قسط و عدالت است، فجر آزادی و استقلال و شرافت انسان است، فجر حاکمیت اسلام، فجر تمدن دوباره اسلامی است. بیداری اسلامی موهبتی است خداوندی که باید آرمان‌ها و ره‌آورد‌های آن که همان ملاک‌های راستین اسلام و پیامبر آن است را با قدرت تمام دنبال کرد و پاسداری نمود.

همه شعار برای طلبکار بودن ما از زمین و زمان و خلق و خالق نیست بلکه واژه‌هایی است که روند حوادث روزگار، گاهی به فراموشی می‌سپارند و کسانی می‌بایست که این واقعیت‌ها را دوباره و چند باره به یاد آورند. بدین لحاظ در طول تاریخ اسلام بوده‌اند کسانی که با هدف اصلاح جامعه خویش و امت اسلامی، احیای حاکمیت اسلام و تمدن دوباره اسلامی و برقراری قسط و عدل و آزادی و استقلال و بازگرداندن شریعت دست رفته مسلمانان تلاش کردند و دست به قیام زدند و حتی جان خود را نیز فدا کردند.

در این راستا برخی هم چون حضرت اباعبدالله العباسی (ع) غرق به خون خود و یارانشان شدند تا دین خدا ابقا شود. برخی سر به دار گشتند و برخی دیگر نیز به سیاه چاله‌ها انداخته شدند تا این که پوسیدند و از صحنه مبارزه خارج شدند. تعدادی دیگر رنج و درمان تبعید و دوری از وطن را به جان و دل خریدند و آواره گشتند. شماری نیز با شروع استعمار کهن در جهان، حرکت آنها جنبه اصلاحی و گفتمانی و فردی پیدا کرد و چون حکومت سیاسی مدنظر آنها نامشخص و یا نهضت آنها به طبقه و قشری خاص تعلق داشت عملاً نتوانستند کاری از پیش ببرند. لذا حرکت‌های اصلاحی و فردی آنها

پس از مدتی از حیز انتفاع ساقط شد. از جمله رهبران فکری این جریان می‌توان از سید جمال الدین اسدآبادی، علامه اقبال لاهوری، شیخ محمدعبده، عبدالرحمن کواکبی، ابوعلامه دودی و شهید حسن البنا نام برد.

تنها مصلح دینی و رهبر اسلام‌گرایی که با تکیه بر آموزه‌های دینی و قرآنی، دموکراسی را علیه نظام طاغوتی کشور خود و نیز استکبار جهانی بسیج حکمت اسلامی مورد نظر خو را با انقلاب علیه حکومت دست نشانده غرب و استعمار و صهیونیسم برقرار ساخت امام خمینی (ره) بود. این انقلاب دینی در شرایطی اتفاق افتاد که هیچ‌کدام از مراکز اسلام‌شناسی غرب به ویژه آمریکا، امکان پیروزی یک انقلاب دینی را پیش از آن نگذاشته بودند. حتی مراکز اسلام‌شناسی در آمریکا روی یک آموزه غلطی ترویج داشتند:

«جهان اسلام دچار فروپاشی شد و امکان تجدید حیات را

از اسلام گرفته است.»

از جمله "همیلتون. ا. رگیب" در صفحه ۲۱ کتاب خود به نام "محمدیسم" و "آلفرد گویلو" در صفحه ۵۹ و ۶۰ کتاب خود به نام "اسلام" بر فروپاشی اسلام تأکید کرده و آن را ناشی از ساختگی بودن اسلام معرفی کرده است. (سعدالله زارعی، همان)

اما در نقطه مقابل این دیدگاه مراکز اسلام‌شناسی غربی، برخی جامعه‌شناسان و اندیشمندان جهان اسلام نه تنها اعتقادی به فروپاشی جهان اسلام نداشتند بلکه بیداری اسلامی جدیدی را در جهان اسلام بشارت دادند. سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آغاز موج اول بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی برخی جامعه‌شناسان،

سیاستمداران، مصلحان و اندیشمندان سیاسی جهان این بیداری را پیش بینی کرده بودند. به عنوان نمونه، اندیشمند شهید، سید قطب در کتاب خود تحت عنوان «المستقبل لهذا الدین»^۱ و نیز حامد ربیع، استاد علوم سیاسی، بشارت این بیداری را داده‌اند؛ بلکه تمام رهبران فکری و سیاسی جهان، از شصت سال پیش انتظار چنین بیداری را می‌کشیدند. استاد، استاد دانشگاه مونترال، کتابی با عنوان «اسلام امروزم» دارد که در دهه پنجاه میلادی به چاپ رسیده و در آن توجه مسئولان کشورها و روش‌ها را به این بیداری جلب کرده است. همچنین خاورشناس هلندی «مونتوکوملی وات» در سال ۱۹۶۴ م کتابی را منتشر کرد و در آن استخوان‌پوشی و وسطی را مورد کنکاش قرار داده و انتظار بیداری اسلامی را داشته است. در توصیف آن می‌گوید:

«بیداری اسلامی این ولوژی چهارمی خواهد شد که در

پایان قرن بیستم بر جهان مسلط می‌شود.»

البته مهمترین مدرک در این زمینه، ارتباط دانشمند روسی "ژوگانوفسکی" است که به دنبال انقلاب سوسیالیستی کتابی نوشت و به ارزیابی آن پرداخت و با اشاره به دو انقلاب فرانسه و روسیالیستی شوروی و شکست آن دو از یک جهت مشخص و نیاز جهان به انقلاب دیگری که بتواند اشتباهات مسیر حرکتی انسان را تصحیح کند، این سؤال را مطرح می‌کند که انقلاب جهانی سوم کی و از کجا می‌آید؟ سپس پیش‌بینی کرده که خیزش این انقلاب [سومی] تنها از جهان اسلام خواهد بود. این پیش‌بینی متعلق به سال ۱۹۱۹ است. (عدنان بن

۱- این کتاب توسط مقام معظم رهبری، آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله) تحت عنوان «آینده در قلمرو اسلام» به فارسی ترجمه شده و بارها به چاپ رسیده است.

عبدالله - القحطان، بیداری اسلامی و نیازهای فکری معاصر آن، باشگاه اندیشه

امام خمینی (ره) رهبر و بنیانگذار انقلاب اسلامی نیز هم سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شروع نهضت بیداری اسلامی در جهان اسلام و قیام مستضعفین در مقابل مستکبرین را پیش‌بینی کرده و هم پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آن را به روشنی اعلام نمودند.

... در اندوادم که خدای تبارک و تعالی، به همه ما و به همه ملت‌های عالم و به همه مستضعفان جهان پیروزی عنایت کند، تازه‌ها را زیر بار این ابرقدرتها خارج بشوند و مسئله‌ای است که باید به آن مسئله این طور شده است که دیگر مستضعفین در مقابل مستکبرین قیام کرده‌اند، بیدار شده‌اند. بیداری اولین قدم است و این قدم یقظه (بیداری)، در سیر عرفانی هم یقظه (بیداری) است. در این سیر، این‌ها هم سیر الهی و عرفانی است. در این اولین قدم است و کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلم، ملت‌های مستضعف در سرتاسر جهان، این‌ها بیدار شده‌اند. سیاه‌های امریکایی کتک این بیداری را می‌خورند. ... (۱۴)

خرداد ۱۳۵۹، صحیفه امام، جلد ۱۲، ص ۳۸۲

و در توضیح این یقظه توحیدی ملت‌ها برای نجات می‌فرمایند:

«توجه به این نکته و تذکر اولاً لازم است، ملتی که بخواهد سرپای خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش بکند لازم است که اول بیدار بشود. در سیر الی الله هم اهل معرفت گفته‌اند که یقظه (بیداری) اول منزل است. در طول تاریخ در این سده‌های آخر، کوشش شده است که ملت‌های جهان سوم خواب باشند، غافل باشند و به بیداری به شخصیت را اصلاً به غیر بدانند. این قضیه از سابی بسیار مه‌لانی بوده است و هی دائماً رشد کرده است تا این‌ها به رشد تمام رسیده بود... من عکس مجسمه آتاتورک را دیدم. آن وقت که تبعید بودم به آنجا - دیدم که مجسمه او رو به غرب بود و دستش را بالا کرده بود و آنجا می‌گفتند که این علامت این است که ما هر چه باید انجام بدهیم باید رو به غرب باشد، به اصطلاح آتاتورک یک مرد مثلاً روشنی، یک مرد تازان بوده و در کشور ما هم بعضی از روشنفکرها به اصطلاح - گفته بودند که ما باید از سر تا قدم اروپایی و انگلیسی باشیم تا بتوانیم ادامه حیات بدهیم. ما تا نفهمیم که خودمان یک شخصیتی داریم، مسلمان‌ها هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و می‌توانند خودشان همه کار را انجام بدهند تا نخواهیم یک کاری را، نمی‌توانیم و تا بیدار نشویم نمی‌خواهیم ما را در

خواب نکه داشتند... ما تا بیدار نشویم از خواب و تا توجه به این نکنیم که ما هم انسان هستیم و ما هم شخصیت داریم و ما هم همت‌های بزرگ هستیم، ما هم مسلمین هم یک میلیارد تقریباً جمعیت با همه وسایل دارند تا این معنا را ما باور همان نیاید، نمی‌رویم دنبال کار. یک جمعیتی اگر نشستند و دستشان را دراز کردند پیش همه و هر چه می‌خواهند خارج بیایند و به شما بدهند و ذخایر شما را از اینجا ببرند، ای آن چیزی که می‌دهند این ملت اگر یک میلیون سال هم زندگی بکنند همان حال اول است. دنبال بار می‌آید، ما که می‌خواهیم وابسته نباشیم باید اول بیدار بشویم به این که ما پادمان هم شخصیت داریم. ما می‌توانیم کار انجام بدهیم... صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۳۲

سرانجام انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی پیروز شد و موجب شروع نهضت بیداری اسلامی و فعال شدن حاکمان انقلابی و جنبش‌های اسلامی مختلفی گردید. این جنبش‌ها علیه بر مواضع ضد استکباری، با حکومت‌های متبوع خود نیز سر ستیز برداشتند و خواهان حاکمیت اسلام در سرزمین‌های اسلامی شدند.

اما کینه توزان دیرین دیانت، خطر این بیداری را دریافتند و به وسوسه‌گری و دسیسه‌گری مشغول شدند. سفیر واتیکان در آنکارا در

همان زمان که نشانه‌های موج بیداری اسلامی در منطقه آشکار شد در مصاحبه‌ای با "لورینت اکسپرس" به گستره این خطر اشاره کرد و لزوم دفع آن را گوشزد نمود:

«ترویج بنیادگرایی در ترکیه، ممکن است تمام کوشش‌ها

را برای پیوستن به ترکیه به اروپا، برهم بزند. بنیادگرایی

مذهبی، ساخته دست افرادی است که سیاست را با مذهب

آشوبان گرفته‌اند! ... بنیادگرایی مذهبی، تنها منحصر به

اسلام نیست بلکه جهان مسیحیت نیز دچار چنین مشکلی

است ... مذهب شعله، همیشه مورد استفاده مقاصد سیاسی

قرار گرفته است. از جمله جنگ‌های صلیبی و یا در جهاد

مسلمانان ... مردم مذهبی، باید در مقابل به کارگیری

مذهب، برای مقاصد سیاسی مقاومت کنند» (نشریه حوزه،

شماره ۲۰، خرداد و تیر ۱۳۶۶، ص ۱۳۷)

این گونه توصیه‌ها و وسوسه‌گری‌ها و دسیسه‌ها وسعت جنبش بیداری اسلامی خبر می‌کرد که جمهوری اسلامی ایران اگر انیکاه و مرکز ثقل و در کانون آن قرار داشت. بدین لحاظ از همه دشمنان برای سرکوبی و امحاء و یا حداقل تحدید آن در درون مرزهای ایران دست به برنامه‌ریزی گسترده‌ای زد.

موج بیداری اسلامی اگر چه در کشورهای اسلامی منطقه طی سه دهه گذشته سرکوب و یا تحدید شد اما با قوام و تثبیت آن، در جهان در همه عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، تکنولوژیک و... بار دیگر در کشورهای عربی منطقه - که مردمان آنها سال‌ها

نظام‌های دیکتاتوری و استبدادی که زائیده جهل و ظلم و ساخته و پرداخته استکبار جهانی بودند تحمل کردند - به منصفه ظهور رسید و رژیم‌های وابسته را یکی پس از دیگری به زباله‌دان تاریخ فرستاد. نظام سلطه جهانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به منظور کنترل نهضت بیداری اسلامی در منطقه به تلاش‌هایی دست زد که از جمله آن‌ها می‌توان نکات ذیل را یادآوری کرد:

الف - بررسی آکادمیک نهضت بیداری اسلامی:

در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مؤسسات تحقیقی نظام سلطه جهانی و مراکز اطلاعاتی و مطالعاتی و علمی وابسته به آن، همواره به نقد و بررسی "جنبش بیداری اسلامی" پرداخته و آن را از زوایای گوناگون مورد مسخره و تحقیر و بررسی قرار داده‌اند. اما متأسفانه در میان جوامع اسلامی، به این حیات پرگهر، چندان توجهی نشد به گونه‌ای که جز آثاری محدود و آن‌ها اثری نمی‌توان یافت.

به عنوان نمونه، در سال ۱۹۸۶، تحقیق جدیدی از «گروه تاریخ» دانشگاه تل‌آویو - فلسطین اشغالی - با عنوان «تاریخ کنگره‌های اسلامی» منتشر گردید. تأمل در این اثر و بررسی مدیسه‌های کیفیت تحقیق در آن، ضعف و فتور تحقیقات تاریخی این سازمان را، نمایان می‌کند.

نویسنده اثر (مارتین کرامر) با تسلط بر سه زبان جهانی (انگلیسی، فرانسوی و آلمانی) و بهره‌مندی از سه زبان حوزه کشورهای اسلامی (عربی، فارسی و ترکی) به انبوهی از مدارک، دست یافته است. این آثار، در محدوده کتب منتشره و یا اسناد خطی، محصور نمی‌ماند؛ بلکه به منافع محرمانه و آرشیوهای دولتی نیز مراجعه داشته و از آن،

سود برده است.

در این تحقیق، از زمینه‌ها و مراحل تکوین و توسعه «کنگره اسلامی» در سال‌های بین دو جنگ جهانی، سخن می‌گویند و در دیباچه کتاب، هدف‌گیری اثر را، بیان می‌کند:

«بررسی اولین تلاش‌های مسلمانان، در ابتدای قرن

بیستم (قرن ۲۰م) برای مبارزه با سلطه غرب و احیای عظمت

اسلام از طریق اتحاد مسلمین» (همان، ص ۴)

این نوشته، مورد بسط یافته دکترای نویسنده کتاب "مارتین کرامر" می‌باشد. در این رساله را در "مؤسسه دایان" که از توابع "گروه تاریخ" دانشگاه فاس - فاسطین اشغالی - می‌باشد، به پایان برده است. مؤسسه مذکور در اسرائیل، مسئول پژوهش و مطالعه در تاریخ خاورمیانه و آفریقا است! از سبب دیگری، از کمک مالی و تحقیقاتی مؤسساتی چون "سازمان اطلاع‌رسانی ایالات متحده" و "دانشگاه پرینستون"، "بنیاد بن گورین"، "انستیتوت کلمبیا" و ... سود جسته و اثر را تحت نظارت "برنارد لوئیس" شاعر مشرق آمریکایی، به انجام رسانده است.

در نوشته مورد سخن، موضوع خاص، مورد تحقیق قرار داده شده و سیر روند آن، مورد بررسی قرار گرفته است. در این نظرگاه، وی به بررسی حرکتی می‌پردازد که از اواخر قرن نوزدهم، شکل یافت. اساس این تفکر، بر آن بود که با برگزاری کنگره‌هایی، امکان ملاقات نمایندگان و رهبران فکری جوامع اسلامی، فراهم آید و اساسی‌ترین مسائل جوامع اسلامی، تنقیح و تحلیل گردد.

نویسنده به زمینه‌های این تفکر، می‌پردازد و سپس تطورات آن را،

بازگو می‌کند و آنگاه نقاط قوت و ضعف کنگره‌های انجام یافته را، مطرح می‌نماید.

نویسنده به بررسی موضوعی خاص در «جنبش بیداری اسلامی» و چرا دارد؛ و سیر و روند آن را تعقیب می‌کند. اما متأسفانه آن چه مسلمین، در آثار تاریخی که پیرامون بیداری دینی نگاشته‌اند، عمدتاً بر ارائه اطلاعات عمومی، اکتفا کرده‌اند و به جزیی کردن مسائل و تحقیق پیرامون موضوعی مشخص، نپرداخته‌اند. و چون در اقیانوس وسیع شهرت‌ها، از سیاحت مانده‌اند!

اساس مقابله با سیستم استکبار و نظام سلطه جهانی با انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در منطقه، بر پایه نظامها و واحدهای تحقیقاتی آنان، استوار است و از برآوردهای سیاسی، بر اساس داده‌های این واحدها، به موضوع می‌پردازند. تلاش‌های وسیع تحقیقاتی در مراکز مطالعاتی جهان غرب و اردوگاه شرق در زمینه یاد شده با این مسئله، ارتباط ناگستنی دارد. همان نمونه می‌توان به خبر ذیل توجه کرد:

«کمیته فرعی امور خارجهٔ مجلس نمایندگان آمریکا در اروپا و خاورمیانه، چندی است که مسأله بنیادگرایی اسلام و اثرات آن را بر رویدادهای خاورمیانه، تحت مطالعه قرار داده و بررسی دارد. بدین منظور کمیته از صاحب‌نظران و کارشناسانی که در زمینه اسلام، بنیادگرایی اسلامی و مسائل خاورمیانه مطالعاتی انجام داده‌اند، دعوت کرد تا با اعضای کمیته به گفت و گو نشسته و نظرات صریح خود را

ابراز دارند. (کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره ۴، شهریور ۱۳۶۴، ص ۱۴۲)

ب - تحقیق در راه شیوه‌های برخورد:

در زمینه شیوه مقابله با نهضت بیداری اسلامی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی استکبار، مقالات و گفتارهای مداومی منتشر و پخش می‌شدند.

این مجله در کنار واحدهای تحقیقاتی نظام سلطه راههای مبارزه را، برای اجرای امور می‌گشایند و آنان را به تاکتیک‌های نبرد، آشنا می‌کنند. به عنوان نمونه پرفسور "آموس رلموتر" استاد دانشگاه و سردبیر مجله مطالعات استراتژی مقاله‌ای با عنوان «استراتژی مقابله با جهاد اسلامی» در مجله "م" در سال "نگاشته است. در ابتدای آن، فرمان جهاد مقدس را علیه جنبش اسلام صادر می‌کند و پاپ گونه، جنگ صلیبی جدید را اعلام می‌دارد:

«در حله اول، باید توجه داشت جنگ علیه گروه‌های

بنیادگرای اسلامی، یک نیاز فوری است (جمهوری

اسلامی، ۱۳۶۴/۵/۹)

در این جنگ، پیشنهادهایی از سوی او و یا کسانی مانند ویرانه گردیده است. اینان حاکمان خود را به اتخاذ مواضع ذیل، هدایت می‌کنند و در سد نفوذ انقلاب اسلامی ایران و نهضت بیداری اسلامی در منطقه، آن حرکت‌ها را پیشنهاد می‌کنند:

۱ - توجه به ایران:

مستکبران، ایران را مرکز نهضت بیداری اسلامی در منطقه

می‌شمرند و لذا در موضع گیری‌ها، به معادلات برخورد با جمهوری اسلامی ایران، بهای فراوانی می‌دهند.

در گزارش سالانه جهانی پیرامون سیستم اقتصادی و استراتژی‌های بین‌المللی - رامسس ۸۲ - که از "کالج روابط بین‌المللی فرانسه" منتشر گردیده است، می‌خوانیم:

پنج سال پس از سقوط شاه [تاریخ زمان تهیه گزارش] در جهان ابراهیم، هنوز هم یک مرکز مهم جهت ایجاد امواج کسب و تنویر تغییرات منطقه یا استراتژیک به حساب می‌آیند. (نیهان، ۱۳۶۳/۶/۱۴)

جورج شولتز وزیر امور خارجه آمریکا در ۱۴ می ۱۹۸۶ در سخنرانی خود در جمع صهیونیست‌های آمریکا گفته است:

«خطر در خلیج فارس یک خطر واقعی است. اگر خمینیسم در منطقه پیشرفت کند، منافع استراتژیک آمریکا آسیب خواهد دید و بدیهی است که منافع اسرائیل نیز ضربه خواهد خورد.» (غضنفری، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲)

۲- شناسایی کانون‌های مهاجم:

بررسی نقاط تهاجم، برای پیگیری و فرود ضربات متقابل در برابر اهداف دشمنان انقلاب اسلامی ایران و نهضت بیداری اسلامی منطقه، جای دارد. آنان پنهان نمی‌دارند که گرچه مرکز سرچشمه پشتیبانی و دامن زدن به این جنگ مقدس [نهضت بیداری] امام خمینی بوده‌اند، اما باید شناسایی کانون‌های متعدد تهاجم را، در نقاط مختلف از جهان اسلام، از سر گرفت. (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۵/۹)

۳- جنگ محدود:

استکبار جهانی به عدم توفیق خود در یک جنگ نامحدود علیه انقلاب اسلامی ایران و نهضت بیداری اسلامی منطقه آگاه است. از این رو، سیاست «جنگ در دایره محدود» را پی ریزی کرد. در ضمن راه حل هایی که از سوی «پرفسور رلموتر» که سابقاً از وی یاد شد، بر این سیاست تأکید شده است:

«به طور که ما به طور مستقیم نمی توانیم علیه اتحاد جماهیر شوروی و یا کوبا وارد جنگ شویم، با ایران نیز نمی توانیم مستقیم وارد جنگ شد. و آن را بر سر جای خود نمی بینیم. معروضه ما هم اکنون در وضعی قرار گرفته ایم که سرداران را داریم که یک جنگ محدود شبیه آن چه با طرفداران شوروی و کوبا انجام می دهیم، علیه نمایندگان و طرفداران و هم یاران ایران از سر بگیریم. ما باید حمله تهاجمی خود را علیه حانیون تندرو و مردمی، هم زمان در سه جبهه شروع کنیم».

۱. کشورهایی که به بنیاد گرایان کمک می کنند.
۲. کشورهایی که گروه های بنیادگرا اساس بقاء آن تهدید می کنند.

۳. کشورهای بدون قدرت مرکزی - مثل لبنان - (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۵/۹)

۴- سیاست صبر و انتظار:

این گرایش، در بخش عظیمی از جناح های مسلط بر سیاست

جهانی، رواج دارد. پیروان این نظریه، معتقدند که برخورد با انقلاب اسلامی ایران، چندان سودمند نیست. و جز در موارد خاص باید از آن احتراز کرد.

به عنوان نمونه، در منطق دکتر - «ریچارد فورتن» از اساتید دانشگاه کلمبیا، آمریکا - که در پاسخ دعوت کمیته فرعی امور خارجه کنگره آمریکا، بر این سیاست، تأکید شده است:

باید به یاد داشته باشیم که رعایت دیپلماسی صبر و حوصله در مقابله با مشکلات خاورمیانة فضیلتی شایسته است و به هیچ وجه عدم علاقه و عدم توجه به این مسائل نیست. مسائل منطقه، اگر میان نخواهند رفت و اگر توجه به برخی مشکلات نشود، برخی بحرانی بعضی نواحی، وخیم تر خواهد شد. باید این واقعیت را به خاطر بسپاریم که بنیادگرایی اسلامی و افراطگرایی مذهبی، عاملی است که طی سال‌های آینده نیز، با آن روبه‌رو خواهیم شد. (کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره ۶، ص ۴۳)

نکته قابل ملاحظه در بررسی نهضت بیداری اسلامی در جهان این است که در تاریخ نویسی نهضت‌ها باید این تأسف را پنهان نماند که غالب آثاری که در جهان اسلام پیرامون "نهضت اصلاح دینی" و "بیداری اسلامی" نشر یافته است، به شرح حال پرداخته‌اند و تراجیم نگاری را پیشه ساخته‌اند.

البته در سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در این حوزه مطالعات بسیاری شده و آثار ارزشمندی نیز در کشورمان به زیور طبع

آراسته گردیده است.

در یک نظاره اجمالی، می‌توان دریافت که چگونه نظام سلطه جهانی به تحقیقات درباره موضوع بیداری اسلامی بها می‌دهد و به بررسی‌هایی که در این زمینه انجام می‌یابند، بذل توجه می‌کند.

دو نظام جهانی (امپریالیسم و صهیونیسم) پیوستگی‌هایی بسیار دارند و در نتیجه مسائلی مشابه، در صدر این مسائل، نحوه برخورد با جهان اسلام جای دارد. و این نوع همکاری‌ها را بایستی در این راستا دانست.

متأسفانه تحقیقات منتشره در کشورهای اسلامی، از این نوع تبادل امکانات، بی‌بهره‌اند و اساساً آورتر آن که از امکانات موجود در کشور نیز، امکان استفاده را نمی‌یابند. درهای بسته خزائن اسناد و کتب! و چهره‌های عبوس پاره‌ای از خزانه داران این اماکن، موجب می‌گردند که محققان، عطای دسترسی را با طعنه بیخشنود و طمع را از دل، برون برند و به مراجعه به آثار و اسناد دیگری قناعت کنند! در حالی که نظام سلطه در راه بسط اقتدار، به این تلاش‌ها توجه می‌کند. در جهان تحت سلطه و یا معارض با سلطه، بندهای دوران بر اسناد، سنگینی افکنده‌اند و راه پژوهش را بسته‌اند و در این زمینه درد دل پژوهش‌گران تاریخ، شنیدنی است! و فرصتی خاص می‌طلبند و پرسو این مقدمات، می‌توان به این نتیجه دست یافت که «ضرورت تحقیق» و «لزوم بازنگری به شیوه‌های آن» در زمینه «جنبش بیداری دینی»، در جهان اسلام، انکار ناکردنی است. و محققان، با نقد و تحلیل این صفحات تاریخ، دردست‌یابی این جنبش به راههای نوین و بهره‌وری از تجربیات پیشین، یاری خواهند رساند و این، امدادی است که مبارزان

این نهضت، از آنان انتظار دارند.

در مجموعه آثار انقلاب و بیداری اسلامی تلاش شده تا ضمن توجه به این امر مهم، تصویری دقیق، شفاف و صحیح از انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز راهبردها و سیاست های نظام سلطه نسبت به انقلاب اسلامی، تلاش برای خاورمیانه پس از انقلاب اسلامی و روند موازنه قدرت در خاورمیانه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا پیروزی قیام های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا در موج سوم بیداری اسلامی، ارائه شود.

مقدمه

بعثت پیامبر اسلام (ص)، طلوع انفجاری بود که روان‌های خفته را حیاتی تازه بخشید و عروق و اندیشه‌ها را به تفکر و حرکت واداشت. پرچم توحید و یکت‌پرستی در برابر شرک و بت پرستی برافراشته شد. فرهنگ جاهلی، عبودیت انسانی و طواغیت و زراندوزان، در برابر پیامهای انقلابی و حیات بر سر آت، به هزیمت رفت. محرومان، که طوق بندگی اربابان را بر گردن داشتند، آزادی یافتند، عمارها و بلال‌ها، بر ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌ها فرمان‌براری یافتند. در یک کلمه، توحید و عدالت پیروز شد.

ولی دیوری نباید که با رحلت پیامبر اسلام (ص) غربت قهقرایی آغاز شد و اندک اندک، اسلام اصیل از جوهره اصلی خویش خالی شد و پیرایه‌ها و خرافات پاگیر شدند. شرک در عمل جای اسلام گرفت. توحید را گرفت. سادگی و برادری جای خود را به تشریفات شک داد.

عطش قدرت و زندگی لذت بخش به جای شوق به جهاد و شهادت در راه خدا نشست، عمارها شکنجه شدند و ابوذر را به تبعیدگاه رفتند. کعب الاحبارها، به جای ابوذر و مقدادها بر منبر پیامبر

به موعظه مردمان پرداختند! بالاخره، بنی امیه که نتوانسته بودند اسلام را در بدر و اُحُد شکست دهند، با خدعه و نیرنگ و نقاب اسلام مداری بر چهره، بر مسلمانان حاکم شدند.

با این وضعیت، روز به روز، اسلام راستین به تویه فراموشی سپرده می‌شد و ظاهری با صدها پیرایه به جای اسلام حقیقی جایگزین می‌شد. نمونه که حضرت علی (ع)، در زمان خود، از امتزاج حق به باطل و شکا بودن تشخیص آن برای مردم سخن می‌گوید. این حرکت‌ها، اگرچه با وجود آمدن مذاهب گوناگون در اعتقادات و فقه آراء مسکوت بر نگاه متضاد در تفسیر قرآن، مشکل را چند برابر نمود، به گونه‌ای که فهم اسلام حقیقی برای طالبان آن، همواره، یکی از معضلات به حساب می‌آمد. سال‌ها بعد اصحاب ائمه (ع) از "اسلام اهل بیت" و "اسلام ناب" و عرض‌کنکار خویش بر صاحبیان اصلی شریعت همه و همه بیانگر حاکمیت برپایه انحرافی و سیطره آن بر فرهنگ عمومی قرون اولیه اسلام است.

متأسفانه این جریان، در قرون بعدی نیز، به غایت گسترش قلمرو اسلام و حدود لاندیشه‌ها و عقاید گوناگون، به حوزه اسلامی و امتزاج حق به باطل بیشتر شد و تمیز اسلام حقیقی از غیر آن دشوار گردید. در دوران استعمار، استعمارگران برای ایجاد سلطه خود، بر کشورهای اسلامی، بر سر راه خود، موانع بسیاری می‌دیدند که همه آنها از وجود رگه‌های اسلام اصیل در میان مسلمانان سرچشمه می‌گرفت. از این روی بر آن شدند تا با ایجاد تفرقه میان مسلمانان، به مقابله با اسلام حقیقی، که مانع سلطه آنان بود برخیزند.

از روزی که تبر تفرقه بر "شجره طیبه" وحدت مسلمین فرود آمد

و ریشه‌های یه هم پیوسته آن را از هم گسست و شاخه‌های شاداب آن را شکست، تا تنور منافع آزمندان گرم شود بر مسلمانان چه ها که نرفت! سیادت آنها، پایمال غرور و نخوت و کینه و آزمندی است مارگران غریبی گشت! عزت و شوکت و اقتدار آنان در "صِرَصرِ" فرهنگ آلوده غروب نابود شد، و ثروت و امکانات و منابع مسلمین به تاراج رفت. داخل ممالک اسلامی چه خون‌ها که ریخته نشد! چه توانهایی که در اختلافات و تنش‌های فرقه‌ای، از مسلمین گرفته نشد. سرزمین‌های اسلامی که روزگاری گل‌های "محبت" و "اتحاد" در آنها به بار می‌نشست، تبدیل به شوره زارانی گشت که جز خس و خوار کینه و بدبینی در آنها پاشیده نمی‌شد. ابرهای تیره "تفرقه"، "گرمای" اتحاد و هم‌بستگی و انسجام اسلامی را از گستره سرزمین‌های اسلامی سُرود و سرزمین یخبندان "تشت" و "تنازع" را جایگزین "تألیف" و "تعاون" ساخت. صوفان تنازعات در سراسر ممالک اسلامی وزیدن گرفت، و تمامی راه‌های آسانی، رشد صلاح، امن و خلاقیت و شکوفایی را درهم کوبید. بنای شوکت و عزت مسلمین را ویران ساخت و دروازه‌های نفوذ ناپذیر این ممالک را به روی بیگانگان هار و آزمند گشود. نیروی این مسلمانان صرفاً این تنازعات شد، و در کشاکش این درگیری‌ها فرسوده گشت. بی‌ایمان علمی و فرهنگی آنها در آتش تفرقه و تشتت سوخت و نابود شد و ثمرات تلخ و پیامدهای ناگواری عاید مسلمین گشت.

اسلام در "غربت" گرفتار شد، بر زبان بی‌دینان و در میان دینداران، [بداً غریباً و سيعود غریباً] اما دلسوزانی، بدرخشیدند و ابودر وار، زیستند و غم‌تنهایی و تبعید را به جان خریدند، از تهمت و ناسزا

و زندان و تبعید و شکنجه نهراسیدند، خود را به خون و آتش و طوفان بلا زدند و در جنگ نابرابر ایمان و کفر، سراقراز ولی غرق به خون یاران و رفیقان خویش در انقلاب علیه نظام استبدادی و وابسته پهلوی پیروز شدند و رستاخیز دینی و اسلامی و نهضت روشنگری اسلامی و بیداری دینی را در ایران پایه گذاری کردند.

این نیست که مبتنی بر فطرت الهی ائمه‌ها شکل گرفت دیری بعد پیام و تأثیرش جهان را درنوردید، به ویژه کشورهای اسلامی از این موعظه بیداری اسلامی که شکل گرفته بود تکان خورد و محور و شالوده اتحاد کشورهای اسلامی از عمومیت و گستردگی و شمول و استواری و استحکام بنیان تری برخوردار شد. پس از آن، اسلام می‌توانست به عنوان یکتا و بی‌شترک که در تاروپود تک تک مسلمانان ریشه دارد شالودهٔ مرکزی برای بنای وحدت اسلامی باشد تا بر روی آن، بنیان مرصوص، بود و استواری در مقابل دشمنان بنا شود.

چنین هم شد، در برخی بلاد اسلامی، بیداری برای سبیل، سنگر تمدن و عزت و اقتدار مسلمانان در برابر توحش و تجاوز بی‌امنهٔ گران شد. به ویژه در لبنان و فلسطین، جنبش بیداری دینی و انسجام اسلامی منجر به شکل‌گیری جریان‌هایی شد که خواب رؤیای "از نیل تا بیت" آل صهیون را برآشفته کرد. حترَب الله در لبنان و حماس و جهاد اسلامی در فلسطین.

جهان تاکنون نظاره‌گر انقلاب‌های گوناگون‌گون فکری، صنعتی و تقلیدی به ویژه در تاریخ معاصر بوده است. انقلاب روسیه، انقلاب فرانسه، انقلاب چین و انقلاب‌های دیگر نمونه‌ای از انقلاب‌های

بزرگ جهان بوده‌اند که هر یک به نوبه خویش آثار و پی آمدهای خاصی را در کشور و یا در مناطق مختلف جهان به وجود آورده‌اند ولی انقلاب اسلامی ایران سراسر جهان به ویژه دنیای غیر اسلام را در بهت و شگفتی فوق العاده‌ای فروبرد و آنان را به آزادی دین و دین داری و سرگردانی کرد که بسیاری از کشورها در اوج ناآرامی و ناامنی «انقلاب اسلامی» خود داری نمودند، چرا که آنان تصویری که در جهان مادی غریزگی، انقلابی با ویژگی‌های اسلامی بر وفق پیچیدند.

تحقق پیروزی انقلاب اسلامی بر نظام شاهنشاهی وابسته به استکبار جهانی، برای تحقق اهداف اسلامی در جهان و آغاز فجری بود که از روزگاران دراز امت اسلامی را آرزوی آن بود تا این که هم چون کاروانی در پی کاروان سالار راه رفته و راه شناس به راه افتد و به سر منزل مقصود برسد و بر سرنوشت خویش حاکم شود. کاروان سالار انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مبارزه خود را نیز در همین راستا ترسیم کرده و می‌فرماید:

«شما بدانید که مبارزه ما سه مرحله دارد: نخست اسلامیت اسلامی

کردن ایران، دوم: اسلام کردن کشورهای اسلامی، سوم:

اسلامی کردن جهان.

آن روز است که به مولایم مهدی (عج) عرض می‌کنم: جهان

منتظر قدوم مبارک توست.» (امام خمینی، اسفند ۱۳۴۱)

انقلاب اسلامی ایران، نام و پیام جاودانه خویش را از اسلام ناب

محمّدی (ص) برگرفت. انقلاب ما، ریشه در آیات قرآن کریم و احادیث و روایات پیشوایان اسلامی و سنت شریف نبوی دارد. این انقلاب سهم زیادی در گسترش اسلام، بیداری انسانها، رونق یافتن فرهنگ و تمدن بشری و رهایی نسل‌های جدید از یوغ جهل و بردگی، نادانی، ارتجاع و واپس‌گرایی داشته است، به همین سبب پیش از آنکه یک انقلاب ایرانی و اسلامی باشد، یک انقلاب انسانی و بشری و متعلق به همه آزاداندیشان و عدالتخواهان جهان است.

«در این انقلاب، همه عوامل انسانی انقلاب شامل رهبران و مردم خواهان برپایی عدالت و ستم‌سوزی و ظلم‌ستیزی در جامعه در همه ابعاد آن بودند. در آنجایی که مردم به این باور رسیده بودند که جز راه پیامبران نمی‌توانند آزاد شوند به عدالت فراگیر برسند، با تمسک به آموزه‌های وحیانی و سیره امام معصوم (ع) حرکت توفنده خویش را آغاز کردند.

آنها همانند امت‌های پیشین جان بر سر اجرای عدالت و برپایی آن شدند و در این راه همانند بسیاری از صالحان و مؤمنان، جان خویش را از دست دادند تا به هدف خویش برسند. (آل عمران، ۲۱)

در این میان رهبری که خود مجسمه عدالت و عدالت‌خواهی بود و در عمر خویش نه ستمی ورزیده و نه با ستمگری همراهی کرده بود (بقره آیه ۱۲۴ و اسراء آیه ۳۵) رهبری توده‌های آگاه و خسته از پیداد را پذیرفت و مردم را به سوی شکست مستکبران و ظالمان، رهنمون کرد. این‌گونه بود که انقلاب اسلامی بر پایه معیار عدالت‌خواهی و ستم‌ستیزی شکل گرفت و برای دست‌یابی به آن، رهبری عادل و

عدالت خواه از جان و مال خویش مایه گذاشت.

البته گام نخست انقلاب، ستم سوزی و مبارزه با ستمگران و عدالت گریزان بود. آنان به این یاور رسیده بودند که با وجود رهبرانی ستمگر و مسکبر، امکان آن نیست تا عدالت در جامعه برقرار گردد. مرفهان ستم پیشه (انبیاء آیات ۱۱ و ۱۶) و ظالمانی که قدرت خویش را زوال ناپذیر می دانست (ابراہیم آیه ۴۴) اجازه نمی دادند تا جامعه به عدالت دست آید. حقوق مردم رعایت شود.

آگاهی مردم به این مسائل موجب شد تا بر لزوم مبارزه و جهاد برای رفع ظلم و ستم به اتفاق برسند و به حکم الهی به جنگ آنها برخیزند. (نساء آیه ۷۵ و توبه آیه ۳۹) ایشان می دانستند که هدایت (نساء آیه ۱۸۶) و امنیت (نساء آیات ۱ و ۸۲) و بهره مندی از مغفرت و عنایات خاص الهی و برکات وی (نساء آیه ۱۶۸) تنها در اجتناب از ظلم و ستم و مبارزه با آن امکان پذیر است.

آنان دریافته بودند که ریشه تمامی مشکلات ایشان که به دنبال تفرقه و اختلاف میان توده های مردم پدید آمده، پدیده سرکشی و ظلمی است که در جامعه رواج یافته است. ظلم و ستم، پیوندهای اجتماعی را سست و بی بنیاد کرده و اختلاف و تفرقه میان امت و مردم افزایش داده و امنیت را به شدت تهدید می کند. (بقره آیه ۲۱۱، آل عمران ۲۶۹ و مریم آیات ۳۷ و ۳۸ و شوری آیه ۱۴ و زخرا ۶۵) بنابراین می بایست با ریشه کنی ظلم و ستم، جامعه را به اتحاد، انسجام و امنیت رسانید و فرصت های برابر برای همگان فراهم آورد. «محسن عابدینی، "عدالت خواهی و ظلم ستیزی دو ویژگی برجسته انقلاب اسلامی"، کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۲۹، ص ۶)

البته ستمکاری و نظام استبدادی و طاغوتی ایران و حامیان بین المللی آنها به ویژه نظام سلطه جهانی و آمریکای سلطه گر یکبار نشستند و به مبارزه با مردم عدالت خواه و انقلابی برخاستند. حتی خونهای بسیاری ریختند ولی از آنجایی که کید ظالمان و ستمگران همانند کید شیطان ضعیف است «ان کید شیطان کان ضعیفاً» خونهای ریخته شده عدالت خواهان گریبانگیر آنها شد و آنها چون حباب تر شدند و پراکنده شدند. (انبیاء، آیه ۳ و آیات دیگر) و انقلاب - هر چند عرق ریخته و جان خود و یارانش شد - سرانجام پیروز گردید و نشان داد که سلاطین، پیروزی انسانیت بر حیوانیت، علم بر جهل، عدالت بر ظلم، مساوات بر تبعیض، فضیلت بر رذیلت، تقوی بر بی بندوباری و توحید بر شرک است. (مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی - انسان و ابدان)

در این راستا امام خمینی (ره) سرانجام پایدار، با امتی قوی و برومند و فهیم، عمود خیمه انقلاب را بر پایه گذاشت و همه پیروان این آیین محمدی و درد آشنایان امت اسلامی را به صوت نمود تا از زلال حکمت و معرفت اسلام سیراب و از صدف ایمان روشن گویبار و ارزشمند بیشتر بهره مند شوند. ایشان در پیامی به مناسبت با گزاری کنگره عظیم حج فرموده اند:

«حج مسان قرآن است و همه از آن بهره مند می شوند ولی اندیشمندان و غواصان درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست های اجتماعی آن نترسند، از

صدفه این دریا، گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت.

در دوران امام خمینی (ره) اسلام به ایدئولوژی رهایی بخش مسلمانان سراسر جهان تبدیل شد و انرژی و نیروی تازه‌ای گرفت به گونه‌ای که پشت دشمنان اسلام و انقلاب از این بیداری اسلامی را بر ملا ساخت و این را به اعتراف در برابر نفوذ انقلاب اسلامی ایران در جهان واداشت.

رویکرد به اسلام بیداری دینی منبث از انقلاب اسلامی در جهان پس از ارتحال حضرت امام خمینی (ره) نیز همچنان ادامه یافت و حضرت آیت الله العظمی حائری (مد ظله) نیز با درایت و ژرف نگری تمام، اسلام را به بهترین وجه به جهانیان معرفی فرمودند. اسلامی که به نام "اسلام ناب محمدی" شناخته شده و دستیز کامل و در نقطه مقابل با "اسلام آمریکایی" که بول، تقدس، محاکمات، فریب، ذلت‌پذیری، تعصبات و کینه‌های مذهبی وجهه آن می‌باشد. اسلام ناب محمدی که از تعقل و تفکر دفاع نمود و به راه تعبّد، فضای نوینی را در حیات عقلی بشر گشود و خرد را برای جهان‌بینی و منبع ایدئولوژی به حساب آورد و از تنگ‌نظری که در این قلمرو، به انکار نقش عقل پرداخته‌اند و نیز از سلطه‌گرانی که برای حفظ موقعیت و منافع خود در جهان، تجدید حیات اسلام در کشورهای اسلامی را با تهمت‌هایی همچون ایرانی‌گری و شیعی متهم می‌سازند تا حمایت یکپارچه دنیای اسلام از بیداری اسلامی و جنبش احیای دینی را مخدوش کنند به شدت انتقاد کرده‌اند.

جنبش احیای دینی و به تعبیر معظم له بیداری اسلامی منبعت از انقلاب اسلامی ایران که دشمن را وحشت زده کرده است رفته رفته می رود تا بانک الله اکبر و نفی همه الهه ها و طواغیت زمانی را بر بالای ماذنه های مساجد طنین انداز و حرکت جهانی نفی سلطه پذیری اجانب را در میان مسلمانان تعمیق بخشد. حرکتی که سرانجام فروپاشی نظام های دنی، الحادی و سلطه گر را یکی پس از دیگری نوید می دهد. اکنون نیز صدای ناقوس خطر مرگ نظام سلطه جهانی و دشمنان مسلمانی به صدا درآورده است.

در این اثر تحقیقی تلاش شده تا حتی المقدور با استناد به اسناد و مدارک مرتبط با انقلاب اسلامی تصویر و چهره روشنی از این انقلاب عظیم در جهان ارائه شود. بدین منظور در فصل اول پیش بینی انقلاب اسلامی ایران در فصل ماهیت انقلاب فصل سوم رهبری انقلاب فصل چهارم مردم در انقلاب فصل پنجم ویژگی های انقلاب اسلامی فصل ششم تأثیرات و دستاوردهای جهانی انقلاب اسلامی فصل هفتم نفوذ و صدور انقلاب اسلامی به کشورهای خاورمیانه فصل هشتم بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام سرآغاز موج اول بیداری اسلامی مورد مطالعه قرار می گیرد. امید است توانسته باشیم گام کوچکی در ترویج معارف انقلاب اسلامی برداشته باشیم.

مجید صفاتاج

پاییز ۱۳۹۱